



نویسنده: کیت میریام . لوونتال

مقدمه‌ای کوتاه بر

روانشناسی دین



مترجمان

محمدالماسیان - دکتر علی فرهادی

.....	۶۱
.....	۶۲
.....	۶۳
.....	۶۷
.....	۶۸
.....	۶۹
.....	۷۰
.....	۷۱
.....	۷۲
.....	۷۳
.....	۷۴
.....	۷۵
.....	۷۶
.....	۷۷
.....	۷۸
.....	۷۹
.....	۸۰
.....	۸۱
.....	۸۲
.....	۸۳
.....	۸۴
.....	۸۵
.....	۸۶
.....	۸۷
.....	۸۸
.....	۸۹
.....	۹۰
.....	۹۱
.....	۹۲
.....	۹۳
.....	۹۴
.....	۹۵
.....	۹۶
.....	۹۷
.....	۹۸
.....	۹۹
.....	۱۰۰

فهرست مطالب

.....	۷
.....	۹
.....	۱۳
.....	۱۳
.....	۱۴
.....	۲۰
.....	۲۷
.....	۲۸
.....	۲۹
.....	۳۱
.....	۳۱
.....	۳۴
.....	۴۸

۴۹	فصل سوم: رفتار دینی.....
۴۹	دعا و عبادت، تعاریف آن، نتایج و پیامدهای متصور بر آن.....
۶۳	گفتار و زبان دینی.....
۷۲	رفتار اجتماعی، گروه‌ها و هنجارها.....
۸۹	جمع‌بندی.....
۹۱	فصل چهارم: اندیشه‌های دینی.....
۹۱	باور دینی.....
۹۸	تغییرات در باورهای دینی در طول زندگی.....
۱۰۲	ایمان دینی و رشد آن.....
۱۱۳	جمع‌بندی.....
۱۱۵	فصل پنجم: احساسات دینی.....
۱۱۵	خاستگاه‌های اولیه احساسات دینی.....
۱۲۸	احساسات مثبت.....
۱۳۹	احساسات منفی.....
۱۴۷	دین و آسیب‌شناسی روانی.....
۱۶۳	جمع‌بندی.....
۱۶۵	فصل ششم: دین چگونه ممکن است بر رفتار، افکار و احساسات اثر بگذارد.....
۱۶۶	کنترل اخلاقی رفتار.....
۱۷۸	دین، استرس، و مرارت.....
۱۸۸	دین و پیش‌داوری.....
۲۰۵	دین و هویت.....
۲۱۲	جمع‌بندی.....
۲۱۳	فصل هفتم: نتیجه‌گیری.....
۲۱۷	نمایه.....
۲۲۶	کتابشناسی.....

روان‌شناسی دین به مطالعه و توضیح فرآیندهای ذهنی و هیجانی که در پیوند با دین و باورهای دینی رخ می‌دهد، می‌پردازد. این شاخه از روان‌شناسی به بررسی نقش دین در سلامت روان، عزت‌نفس، تاب‌آوری و رفاهیت می‌پردازد. همچنین به بررسی چگونگی شکل‌گیری باورهای دینی و تأثیر آن‌ها بر رفتار و تصمیم‌گیری‌ها می‌پردازد. روان‌شناسان دین به بررسی رابطه بین دین و سلامت روان، عزت‌نفس، تاب‌آوری و رفاهیت می‌پردازند. همچنین به بررسی چگونگی شکل‌گیری باورهای دینی و تأثیر آن‌ها بر رفتار و تصمیم‌گیری‌ها می‌پردازند.

فصل اول

روان‌شناسی و دین

روان‌شناسی دین به مطالعه و توضیح فرآیندهای ذهنی و هیجانی که در پیوند با دین و باورهای دینی رخ می‌دهد، می‌پردازد. این شاخه از روان‌شناسی به بررسی نقش دین در سلامت روان، عزت‌نفس، تاب‌آوری و رفاهیت می‌پردازد. همچنین به بررسی چگونگی شکل‌گیری باورهای دینی و تأثیر آن‌ها بر رفتار و تصمیم‌گیری‌ها می‌پردازد.

روان‌شناسی چیست؟

روان‌شناسی چیست؟ به باور من روان‌شناسی شامل مشاهده افراد، ثبت این مشاهده‌ها، و تلاش برای تعبیر و تفسیر مشاهده‌های ثبت شده است.

در دانشنامه هاجینسون^۱ که این عقیده تأیید شده است، نوشته شده «روان‌شناسی بررسی نظام‌مند رفتار... انسان است» و اینکه روان‌شناسی شامل بررسی «نقش غریزه... فرهنگ... و کارکرد تفکر، هوش و زبان است.» (هاچینسون^۲، ۱۹۹۴) در واژه‌نامه روان‌شناسی من تعریف روان‌شناسی در چند صفحه ارائه می‌شود، اما تعریف ارائه شده از همان ابتدا از قطعیت و اطمینان کافی برخوردار است. در این واژه‌نامه بیان می‌شود که روان‌شناسی «شاخه‌ای از علم است که به مطالعه رفتار، اعمال، یا فرایندهای ذهنی

1. The Hutchinson's Encyclopedia
2. Hutchinson

می‌پردازد و همچنین ذهن، نفس، یا شخصی را که آن رفتار، اعمال یا فرایندهای ذهنی از او بروز می‌یابد مطالعه می‌کند.» (اینگلیش و اینگلیش^۱، ۱۹۵۸)

بر این مبنا، چگونه می‌توانیم روان‌شناسی دین [زیرا مفهومی اعم از مذهب دارد] را تعریف کنیم؟ آرگایل و بیت - هلامی کتاب درسی کلاسیک خود را (که در ۱۹۵۸ رفتار دینی^۲ نام داشت و تألیف آرگایل به‌تنهایی بود و در ۱۹۷۵ *روان‌شناسی اجتماعی دین*^۳ نام گرفت و در ۱۹۹۷ دارای عنوان *روان‌شناسی رفتار، باور، و تجربه دینی*^۴ شد و بیت - هلامی نویسنده اول آن شده بود) با این وعده مختصر آغاز می‌کنند که «یافته‌های تجربی اصلی پژوهش‌های اجتماعی، مطالعات میدانی و آزمایش‌های مربوط به رفتار، باورها و تجربه دینی را ارائه خواهند کرد.» (آرگایل و بیت - هلامی،^۵ ۱۹۷۵)

تمام این موارد به من اجازه می‌دهد که ادعا کنم روان‌شناسی مطالعه رفتار، افکار و احساسات است و اینکه *روان‌شناسی دین مطالعه رفتار، افکار و احساسات مذهبی است*. اما در اواخر دهه ۱۹۹۰، آیا اجازه دارم چنین ساده‌انگار باشم؟

برای مثال در دو کتاب درسی مهم دهه ۱۹۹۰ در موضوع روان‌شناسی دین تعریفی از روان‌شناسی ارائه نشده است (بتسون^۶ و دیگران، ۱۹۹۳؛ وولف^۷ ۱۹۹۷). شاید به این علت که خوانندگان مورد نظر این کتاب‌ها روان‌شناس بوده‌اند و به تعریفی از روان‌شناسی نیاز نداشته‌اند. اما در این دو کتاب و هم در کتاب‌های معاصر دیگر در زمینه روان‌شناسی دین برای حل مسئله‌ای مشکل‌تر تلاش شده است: این مسئله که روان‌شناسی دین چیست؟ این موضوع از آن لحاظ اندکی دشوار می‌شود که طیف وسیعی از رویکردهای روان‌شناختی مطرح است. و از این لحاظ بسیار مشکل‌ساز بود که تعریف دین آسان نیست.

دین چیست؟

برخی پژوهشگران اظهار داشته‌اند که ارائه تعریف از دین یا غیرممکن است یا چنان سعی بلیغی می‌خواهد که در حجم چنین کتابی نمی‌گنجد. وولف بیان می‌دارد که «تعریفی جامع و رضایت‌بخش از دین تا به امروز به ذهن پژوهشگران خطور نکرده

1. English and English
2. *Religious Behaviour*
3. *The Social Psychology of Religion*
4. *The Psychology of Religious Behaviour Belief and Experience*
5. Argyle and Beit-Hallahmi
6. Batson
7. Wullf

است» و اسمیت^۱ (۱۹۶۳) نشان داده که «کلمهٔ دین یا مذهب برای درک واقعی این پدیده نه تنها غیر ضروری بلکه همچنین ناکافی است.» براون^۲ (۱۹۸۷) صفحات زیادی (بیش از صد صفحه) را به ارائهٔ تعریف، و تجزیه و تحلیل، و سنجش حدود و ثغور دین اختصاص داده است. کپس^۳ (۱۹۹۷) استدلال کرده که تعریف‌های ارائه‌شده از دین توسط پژوهشگران برجسته، بازتابی از زندگی شخصی خود این پژوهشگران است.

این تا حدودی ناامیدکننده است زیرا به‌طور ضمنی بیانگر این مسئله است که شروع به نوشتن این کتاب غیرممکن است! ارائهٔ تعریف از دین بسیار دشوار است، بنابراین اگر از نظرات ظریف و موشکافانهٔ وولف، براون و کپس پیروی کنیم، نمی‌توانیم بگوییم روان‌شناسی دین در باب چه چیزی است. ضروری است بر پایه و اساس محکمی کار خود را آغاز کنیم.

به‌طور ساده، اینگلیش و اینگلیش (۱۹۵۸) در کتاب خود اظهار داشته‌اند که دین «نظامی از نگرش‌ها، شیوه‌های عمل، مراسم آیینی، رسوم، و باورهاست که به‌وسیلهٔ آن‌ها افراد یا اجتماع خود را در ارتباط با خدا یا دنیای مافوق طبیعی و اغلب با یکدیگر قرار می‌دهند و ... از دین مجموعه‌ای از ارزش‌ها را استنباط می‌کنند که بر مبنای آن‌ها می‌توانند رویدادهای جهان طبیعی را قضاوت کنند.»

لوونتال^۴ بیان داشته است که سنت‌های دینی بزرگ ویژگی‌های اعتقادی مشترکی دارند از جمله:

- واقعیتی غیرمادی (یعنی معنوی) وجود دارد.
- هدف زندگی افزایش هماهنگی در جهان با انجام دادن کار خوب و دوری از بدی است.
- (در ادیان توحیدی) منبع وجود (یعنی خدا) منبع دستورات و قواعد اخلاقی نیز هست.
- علاوه بر این، تمام ادیان به نوعی سازماندهی اجتماعی برای انتقال این ایده‌ها، وابسته‌اند.

بنابراین، ویژگی‌های مشترک ادیان شامل باورها و رفتارهایی در رابطه با حقیقت معنوی، خدا، اخلاقیات، هدف، و نهایتاً انتقال این مفاهیم به مردم است. نگرش‌هایی چون خداناباوری، لادری‌گرایی یا «ایمان‌های جایگزین» موضع‌گیری‌هایی در رابطه با دینند که به نوعی دربردارندهٔ موضوع ارتباط با خدا هستند. (ریتسوتو، ۱۹۷۴)^۵

1. Smith
2. Brown
3. Capps
4. Loewenthal
5. Rizzutto

ما می‌دانیم که مردم در رابطه با دین دیدگاه‌های مختلفی دارند. اگر چند متری در یکی از خیابان‌های اصلی شمال لندن (محل زندگی خودم) که مردم در آنجا به زبان‌های مختلف تکلم می‌کنند قدم بزنم، سبک‌های مختلف پوشش، ویژگی‌های متفاوت وابستگی‌های دینی و اشکال مختلف پرهیزگاری را به‌وضوح می‌بینم. من زنان مسلمانی را می‌بینم که سر خود و در برخی موارد سر و صورت خود را پوشانده‌اند و کسانی که هیچ‌کدام را نپوشانده‌اند. من زنان یهودی‌ای را می‌بینم که برخی کلاه‌گیس، برخی کلاه، و برخی هر دو را بر سر نهاده‌اند و بعضی از آنان نیز از هیچ‌کدام استفاده نکرده‌اند؛ مردان سیک چه با عمامه یا بدون آن، سیاه‌پوستان اهل جزایر کارائیب که (به عقیده من) می‌توان از روی لباس‌های تیره‌شان دانست که مسیحی‌اند، یا بر مبنای موهای بافته‌شده‌شان می‌توان فهمید که به مذهب راستافاریان^۱ تعلق دارند یا هیچ‌کدام از این دو. مردان یهودی کلاه‌هایی از جنس خز یا نمد به سر می‌گذارند، جوراب‌های سفید یا سیاه و پالتوهای بلند می‌پوشند و سایر نمادها و نشانه‌هایشان بیانگر وابستگی آن‌ها به یکی از بیش از دوازده فرقه^۲ خاسیدیم^۳ است که در این ناحیه طرفدارانی دارند. گاهی قادر به تفسیر برخی نمادهای نشان‌دهنده هویت و پرهیزگاری نیستم. اما در مقام یک روان‌شناس لازم نیست به زبان نمادین پوشش و لباس تکیه کنم و می‌توانم سؤال کنم.

در عمل، روان‌شناسی که دین را مطالعه می‌کند اغلب مایل است دین، دیندار بودن، و یا میزان اشتغال فرد به رفتارهای دینی و عمق اعتقادات وی را بسنجد. شخص می‌تواند با سؤالی منفرد و ساده دربارهٔ باور مذهبی شروع کند:

مقیاس تک بعدی سنجش دین‌داری

برای نشان دادن اینکه این جمله تا چه حد در مورد شما صدق می‌کند روی خط علامت‌گذاری کنید. در صورتی که این عبارت کاملاً صحیح است سمت راست خط را

۱. Rastafarian: جنبش مذهبی سیاهپوستان جامائیکا که آموزه‌های آن بیانگر رستگاری و رهایی نهایی سیاهپوستان و بازگشت آنان به آفریقا است. - م.

۲. Hasidim: فرقه مذهبی بنیادگرای یهودی که مخالف تأثیرات تمدن یونانی در یهودیت هستند. - م.

علامت‌گذاری کنید و اگر کاملاً غلط است سمت چپ را علامت بزنید یا هر جایی بین این دو حد را علامت‌گذاری کنید تا میزان صحت این عبارت را مشخص کنید.

کاملاً غلط

کاملاً صحیح

من به خدا اعتقاد دارم

آیا این روش بیش از حد ساده‌انگارانه است؟ گلاک و استارک^۱ (۱۹۶۵) بر این عقیده بودند. آن‌ها اظهار داشته‌اند که دانشمندان علوم اجتماعی می‌توانند فعالیت دینی را شامل پنج بعد متفاوت بدانند که همه آن‌ها ممکن است از یکدیگر مستقل باشند (حداقل از لحاظ تئوری). برای مثال شخصی که تجربه‌های عرفانی زیادی داشته است چه بسا ضرورتاً از تمامی مراسم آیینی توصیه‌شده توسط دین پیروی نکند. ابعاد دینی مطرح‌شده از طرف گلاک و استارک به این قرارند:

- بعد تجربی: میزان بهره‌مندی از تجارب دینی.
- بعد آیینی: میزان اشتغال فرد به مناسک دینی.
- بعد اعتقادی: میزان باور شخص به اعتقادات تأییدشده توسط سنت یا عرف.
- بعد فکری: میزان آگاهی شخص از آموزه‌ها و سنت‌های دینی و غیره.
- بعد عملی: بعد پنجمی که میزان به کار گرفته شدن چهار بعد دیگر را در زندگی روزمره نشان می‌دهد.

عملیاتی کردن این رویکرد چند بُعدی، یعنی تعریف کردن ابعاد به نحوی که امکان سنجش معنادار فراهم شود، کاملاً دشوار است. برخی روان‌شناسان دین، جوای آنند که آیا اینکه کدام جنبه از رفتارها، تجربه‌ها، عقاید و ... دینی سنجش می‌شوند، اهمیت دارد؟ علت طرح این پرسش این است که به نظر این روان‌شناسان تمامی این جنبه‌ها از لحاظ آماری با یکدیگر همبستگی دارند. برای مثال، ویرینگ^۲ و براون (۱۹۷۲) گزارش داده‌اند که عامل مشترک «دیندار بودن» زیربنای طیف وسیعی از معیارهای سنجش فعالیت و اعتقادات دینی است. البته گاهی اوقات، بررسی جنبه‌های خاصی از فعالیت یا

1. Glock and Stark
2. Wearing

اعتقاد دینی مهم است. اما اگر به معیاری عمومی برای سنجش میزان دیندار بودن نیاز داشته باشیم، موارد زیر رایج و قابل اتکا هستند (لوونتال، ۱۹۹۵):

- وابستگی و تعلق: اینکه آیا شخص متعلق به یک گروه دینی است.
- هویت یا تعریف خود: اینکه آیا شخص خود را فردی دینی (مسیحی، مسلمان، یهودی، یا هر دین دیگری که مورد نظر پژوهشگر باشد) تعریف می‌کند؟
- اعتقاد به خدا.

این‌ها مقیاس‌های ساده‌ای هستند که اندکی بیش از پاسخ آری یا خیر به یک سؤال منفرد را در اختیار ما قرار می‌دهند. اگر بخواهیم نمونه‌ای از طیفی از رفتارها و عقاید دینی را جمع‌آوری کنیم ممکن است به علت مشخص بودن رفتارها و عقاید مورد تأیید از طرف سنت‌ها و گروه‌های دینی متفاوت، با مشکلاتی مواجه شویم.^۱ برای مثال، پرسشنامه فرانسویس برای سنجش نگرش به مسیحیت^۲ (فرانسیس، ۱۹۹۳b) به‌طور گسترده‌ای به منزله مقیاسی برای میزان دیندار بودن استفاده شده است. این پرسشنامه شامل عبارت‌هایی مانند موارد زیر است:

- باور دارم که عیسی مسیح به من کمک می‌کند؛
- تصور نمی‌کنم انجیل از رده خارج باشد.

ممکن است طرح این سؤال‌ها برای افراد متعلق به دیگر سنت‌های دینی، نامناسب باشد. در همین راستا، لیتل‌وود و لیپسج^۳ (۱۹۸۱، ۱۹۹۸) به پرسش‌های کاملاً متفاوتی نیاز داشتند تا بتوانند میزان علاقه‌مندی دینی در میان مردمانی از گروه‌های دینی متفاوت را بسنجند. نمونه‌ای از سؤال‌های مورد استفاده آنان برای مسیحیان و یهودیان در پی می‌آید و پس از آن نمونه‌ای از سؤال‌های طراحی‌شده برای مسلمانان توسط حنیفه خان^۴ ارائه می‌شود (پرسشنامه دوم هنوز در حال آماده‌سازی است):

۱. در ادامه این قسمت نویسنده مثال‌ها و نمونه‌هایی ارائه می‌دهد تا نشان دهد که ایجاد سنجه واحد و عمومی برای سنجش دیندار بودن به‌طوری که بتوان از آن در میان تمامی گروه‌های مذهبی استفاده کرد بسیار دشوار است و در نتیجه مقایسه مطالعات روان‌شناسی انجام‌شده در میان گروه‌های مختلف نیز به همان میزان مشکل است. - م.

2. Francis Scale of Attitude Towards Christianity

3. Littlewood and Lipsedge

4. Hanifa Khan

بررسی دین از دیدگاه روان‌شناسی در سال‌های اخیر جایگاه خاصی یافته است. کتاب **مقدمه‌ای کوتاه بر روان‌شناسی دین** به بررسی جنبه‌های مختلف از دیدگاه روان‌شناسی، از جمله بررسی افکار، احساسات، و رفتار دینی، و تأثیرش بر آن‌ها می‌پردازد. محتوای کتاب حاضر پژوهش‌محور بوده و با تکیه بر پژوهش‌های روان‌شناختی انجام‌شده و در زمینه دین به صورت خلاصه ارائه، و نمونه‌هایی از سنجه‌ها و مقیاس‌های روان‌شناختی مورد استفاده در بررسی آن نیز معرفی شده است. از این لحاظ این کتاب می‌تواند منبع خوبی برای آشنایی با پژوهش‌های انجام‌شده و همچنین نقطه شروع خوبی برای نگارش مقالات و پایان‌نامه‌هایی در این زمینه باشد.

نویسنده در این کتاب ابتدا به رابطه بغرنج بین دین و روان‌شناسی در گذشته‌نگاهی می‌اندازد و تغییر و تحولات این رابطه را بررسی می‌کند و معتقد است که روان‌شناسی دین رشته‌ای است در حال تکوین و درک ما از آن مجادله‌های ضد دین و دفاعیه‌های طرفدارانش که زمانی تحت عنوان روان‌شناسی دین مطرح می‌شد، فراتر رفته است. در نهایت، در این کتاب برخی از تأثیرات احتمالی دین بر رفتار، افکار و احساسات بررسی می‌شود که شامل بررسی پرسش‌های مربوط به چگونگی شکل‌گیری باورهای اخلاقی و تأثیرشان بر رفتار، و موضوعات بحث‌انگیزتری مانند چگونگی تأثیر دین در به وجود آمدن و از میان رفتن تعصبات، و رابطه بین دین، هویت، و عزت‌نفس است.

انتشارات

مرکز نشر و پخش کتاب‌های روان‌شناسی و تربیتی

ساختمان مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه

خیابان شهیدای ژاندارمری، شماره ۴۱، تلفن ۶۶۴۰۴۴۰۶

فروشگاه: میدان انقلاب، روپروی سینما بهمن

خیابان شهید منیری جاوید(اردیبهشت)، شماره ۲/

تلفن: ۶۶۴۹۸۳۸۶ - ۶۶۴۹۷۱۸۱ - ۶۶۴۱۰۲۶۲

www.roshdpress.ir

ISBN:978-600-351-142-2



786003 511422

۹ ۷۸۶۰۰۳۵۱۱۴۲۲